

خدمات اخذ ویزای دبی به نازلترین قیمت



تکتهای خطوط هوایی جهان

visa@skytravels.com

آدرس: سرک ۱۰ وزیر محمداکبرخان، کابل موبایل: ۰۷۹۹ ۴۹۴۹۹ / ۰۷۹۹ ۶۳۳ ۳۳۳ / ۴۸۴۸۸۰۷۹۹ / ۰۷۰۸ ۴۵ ۴۵ ۴۵



1135 SATURDAY | 27 AUGUST 2016 | YEAR 05

۱۱۳۵ شنبه ۶ سنبله ۱۳۹۵ | سال پنجم



Azizi Bank Master Card



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز صفحه ۲

حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان؛ افغانستان و امریکا چه می کنند؟

حمله بر دانشگاه امریکایی شام چهارشنبه (۳ سنبله) آغاز شد، ده ساعت دوام کرد، ۱۳ تن جان دادند و نزدیک به پنجاه تن دیگر زخمی شدند. فاجعه اینگونه اتفاق افتاد و کابل یک شب خونین دیگر را پشت سر گذاشت. واکنشها به این حمله متفاوت بود؛ سران حکومت طبق معمول بیانه‌های همیشگی‌شان را نشر و حمله را تقبیح کردند و به دیدار زخمی‌ها به شفاخانه رفتند اما شهروندان حیران و نگران. این حمله مثل رویدادهای اخیر غیر نظامیان را هدف قرار داد. تردیدی هم وجود ندارد که هدف از آن خلق وحشت در میان مردم بود. قربانیان این حمله‌ی مرگبار، اساتید دانشگاه و دانشجویان بودند؛ کسانی که سرمایه‌های علمی و فرهنگی...



حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان؛ قربانیان و واکنش‌ها

صفحه ۴

یک پیشکش - دو مفاد

این پیشکش فقط در شهرهای ذیل قابل دسترس میباشد:

کابل، بلخ، سرپل، جوزجان، فاریاب، سمنگان، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، وردگ، پنجشیر، لوگر، نورستان، کاپیسا، بامیان، لغمان، غزنی، کنړ، پروان و غور.



3.99

افغانی فی دقیقه

تماس به ۶ کشور جهان

هندوستان، پاکستان، چین، مالیزیا، امریکا و کاتادا

0.50

افغانی فی دقیقه

تماس از افغان بیسیم به افغان بیسیم

برای اشتراک: #۱*۴*۵۵۵* را دایل نمایید

برای لغو اشتراک: #۲*۴*۵۵۵* را دایل نمایید

فیس روزانه: ۴ افغانی

۱۵۲

خبرنگار ناراضه

هادی دریایی

منافقت نامهای سیاسی

چیست؟

برای این که بهتر بفهمیم منافقت نامهای سیاسی چیست، یک بار انتخابات گذشته را بسیار کلی مرور می کنیم. در انتخابات گذشته، گفته می شود که حتا قبل از این که سروران گرامی مملکت ما برای رسیدن به چوکی ریاست جمهوری ثبت نام کنند، عده یی دورهم نشستند و توافق کردند که فلانی باید رییس جمهور شود.

بعد همه باهم برای کاندیدای مورد نظر خویش دعا کردیم، تبلیغات کردیم... تا این که به روز انتخابات رسیدیم. روز انتخابات ثابت کردند که حاضرند جان خویش را فدای هدف و فرد از قبل مشخص شده کنند.

چندین ماه گذشت و مشخص شد که رییس جمهور نباید از دور اول انتخابات مشخص شود. برای همین دو تا دکتر، دو تا نور چشم و دو شخصیت فراترسانی را انتخاب کردند تا مردم عزیز افغانستان به یکی از این دو نفر دوباره رای دهند.

دوباره رقتیم که رای بدهیم. اکثریت جاها یا صندوق کم بود یا ورق، اما در جاهایی خاص، حتا گوسفندان هم آمدند رای دادند. بعدش پیش از این که آقای یوسف نورستانی نام رییس جمهور از قبل مشخص شده را اعلام کند، جنجالها شروع شد. تهدیدها، شاهدکشی ها، زنده بادها و مرده بادها شروع شد.

قدرت خدا هر وقت در افغانستان جنجال شروع می شود، باور عمومی چنین می شود که جنجالها را باید در کوهها حل کنیم. کم مانده بود به کوهها بالا شویم که طرح موافقت نامهای سیاسی از راه رسید و هر دو نور چشم ما که عبارتند از محمد اشرف غنی و عبدالله عبدالله، در بغل هم رفتند و گفتند حکومت وحدت ملی شکل می دهیم. در موافقت نامهای سیاسی آنها، بعضی مسایل را روشن کردند تا خدای نخواستہ دوباره جنجال شروع نشود و صد خدای نخواستہ مردم یک بار دیگر برای حل مشکل به کوه نروند.

ما به کوه نرفتیم، در شهر و ده و دیار خویش ماندیم و آقایان اشرف غنی و عبدالله آمدند که بر ما حکومت کنند. شروع کردند. بعد چند ماه متوجه شدند که ملک شیران بدون جنجال و منازعه، به ملک شغلان تبدیل می شود و برای این که ما هم چنان در سطح جهان شیر باقی بمانیم، از خودگذری نشان دادند و در ادامه از همه چیز گذشتند و شروع کردند به چیز.

شما خوب می دانید که مردم، به خصوص سروران افغانستان هر ستم و دروغ و تزویری را تحمل می کنند اما چیز را به هیچ وجه تحمل نخواهند کرد. برای همین دکتر عبدالله گفت که اگر از این به بعد رییس جمهور به من اجازه ملاقات ندهد، ما صبر خویش را لبریز خواهیم کرد. شما هم دیدید که از روز تهدید به بعد، اشرف غنی دوبار حاضر شده با عبدالله عبدالله ملاقات کند، در حالی که هنوز یک ماه هم نمی گذرد.

خیلی خوب! از اصل موضوع دور نشویم، می خواستیم منافقت نامهای سیاسی را بفهمیم. به نظر من منافقت نامهای سیاسی قابل فهم نیست، چرا؟ چون هر وقت به فهمیدنش نزدیک شویم، یک منافقت جدید به بازار عرضه می شود تا ما بازم مصرف شویم. به طور مثال، وقتی خبرهای سقوط ولایات و ولسوالی ها ذهن مردم را متخوش کرد، مسیر برق را از بامیان به سالنگ منحرف کردند. بعد که عده یی اعتراض کردند، مسأله را قومی و سمتی کردند. دیدند که اعتراض جدی می شود، ناگهان در دهمزنگ انفجار شد. بعدش دیدند که شمالی ها احساس بی مضمونی می کنند، ناگهان مسافرین به اساس سیستم بایومتریک از مسیر راه به اسارت گرفته شدند. دوباره که خبرهای سقوط بالا گرفت و چندین ولسوالی هم سقوط کردند، ناگهان در دانشگاه امریکایی افغانستان انفجار شد. این چند نمونه را از میان مردم آوردیم. درون حکومت هم چنین است، گاهی جنرال صاحب دو ستم به شمال برای جمع آوری زردآلو فرستاده می شود، گاهی به عبدالله وقت ملاقات داده نمی شود. گاهی به دانش حق نظردهی داده نمی شود و همین طور همیشه بعضی چیزها جریان دارد. بناءً ما باید به جای این که وقت خود را برای فهمیدن منافقت نامهای سیاسی ضایع کنیم، بهتر است منتظر انفجار و انتحار بعدی، اسارت و گروگان گیری بعدی، سقوط ولسوالی های بعدی، خشم مقامات بعدی، حیل و سیاست بعدی باشیم. چون در هر صورتش، شهر و دیار ما از این بازی فارغ نخواهد بود. مگر کار دیگری از ما ساخته است؟!

به سادگی از این همان سازی مسأله عبور کرد بدون این که به مغاک ساده انگاری غلتید، واقعیت تکان دهنده ی دیگری در برابرمان رُخ می نماید: هجوم نشانه ها و نابودی زمان. زمانی که نشانه گذاری میان دو اتفاق ناممکن می شود، معنایش این نیست که مشابهت های آنها بیش از حد شده است، بل دلیل عدم امکان تشخیص آن دو اتفاق از هم، در واقعیت امر این است که اصلا دو اتفاق وجود ندارد و هر آنچه هست، وقوع امر واحدی است که پیوسته تکرار می شود. بیان دیگر این امر این است که، هجوم اتفاقات، تشخیص و تفاوت را در تمام معناهای ممکن آن از بین می برد و قضیه طوری می نماید که گویا زمان در همان لحظه ی وقوع، ایست کرده و همه چیز در همان لحظه قفل شده است. وقوع اتفاقات پیوسته و مکرر، یعنی میخ کوب شدن زمان در لحظه ی وقوع. نباید با این بیان دچار تناقض در فهم شد. مرور گذرایی بر رخدادهای مرگ گستره که بعد از چهارشنبه خونین سی ام جدی تا سوم سنبله واقع شده اند، درک این امر را ساده می سازد. فهم واقعیت این همه انسانی که در طی این مدت کوتاه حذف شده اند، ممکن نیست مگر این که باور کنیم زمان در لحظه ی وقوع فاجعه از رفتن بازمانده و ما فقط همان یک صحنه را می بینیم. استمرار گسست ناپذیر فاجعه، یعنی فاجعه یی که در طول زمان پخش شده است، یعنی زمانی که در فاجعه خلاصه گردیده است. مفهوم بسط فاجعه در زمان، چیزی جز قبض زمان در فاجعه نیست. در یک کلام: هنگامی که می بینیم جز فاجعه، هیچ چیز دیگری در یک فاصله ی زمانی رخ نداده است، آن را این گونه باید درک کنیم که فاصله ی زمانی به معنای درست کلمه، از بین رفته است. حذف گذشته و آینده و هیچ چیزی جز فاجعه ندیدن، معنایی جز نابودی زمان ندارد. از این است که می گویم ما نمی توانیم از یک خاطره سخن بگوییم، جز این که واژه ی «زنده» یا «جاری» را به آن علاوه کنیم.

نکته ی دوم ما را ناگزیر به سمت دیگر ماجرا می برد، به آن سمتی که ناگزیریم نگاهی به چهره ی قربانیان فاجعه بیندازیم. چهره ی قربانی را اما نمی توان دید مگر این که به قربان گاه رفت و مدیران امر قربانی را شناخت. اما در حالتی که زمان در یک نقطه جمع شده است، چگونه می توان به قربان گاه قدم گذاشت؟ این جاست که پای کلام سخت می لنگد. هدف من چیزی بیش از بازی صرف با کلمات است. هدف بیان واقعی وضعیتی است که یک ریز امر به سکوت می کند و کلام نمی تواند در قلمرو قربان گاه، این سکوت را شکسته و فراتر از امتناع قدم بر دارد. بگذارید باری این مسأله را بدون ابهام، به سوم سنبله منیحت یک نمونه، فروکاست بدهم: در سوم سنبله، قربانیان فاجعه همه دانش جو و استاد دانشگاه بودند. این جا اما، دانش - که دانش جو و استاد در محور آن معنا می یابند - استعاره یی است برای زبان مندی و امکان تکلم یک جامعه. سوم سنبله این امکان را محو کرده است. قربانی این فاجعه، کسی است که باید فاجعه را روایت می کرد. ما در جهان فاجعه آمیز، با بیشتر از دو پدیده مواجه نیستیم: پدیده یی که فاجعه را رقم می زند و پدیده ی دیگری که در برابر آن می ایستد و آن را روایت می کند. در این مرحله اما، یک سوی ماجرا حذف شده و آن روایت گر است. حذف راوی از قلمرو فاجعه، یعنی نابودی زبان، یعنی محو کلام و این امر ماجرا را به گونه یی رقم می زند که فاجعه خود گویا می شود و به تکلم درمی آید. تفسیر این گویایی اما، چندان گوارا و مایه ی امید و شادی نیست. وجه نخست ناگواری آن به ما می گوید که شدت و دامنه ی تأثیر فاجعه چقدر وسیع و هراس ناک بوده، طوری که زبان قربانی از روایت آن ناتوان است؛ و وجه دوم، از آنجایی که فاجعه در نفس خود بیان گر دو موضع است؛ موضع نابودی قربانی و موضع قدرت فاجعه آفرینان، تنها چهره ی قربانی آفرینان را نشان مان می دهد که فاتح میدان شده اند و از تکرار فاجعه و امتناع تکلم سخن می گوید.

بر این مبنا، فاجعه یی حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان چیزی جز تکرار حذف زمان و زبان نبود و سوم سنبله استعاره یی بود برای این حذف. و رای این واقعیت، دیگر هر آنچه مشاهده می شود، مُت و مجانی است. واکنش کلیشه یی و روتین ارگ ریاست جمهوری در برابر این فاجعه و تماسش با ریس ستاد ارتش پاکستان را باید از آن جمله شمرد. ریاست جمهوری با گفتن این که امنیت ملی دریافته است که «این حمله از آن طرف خط دیورند سازمان دهی و مدیریت شده است»، مسئولیت خودش را خاتمه یافته تلقی کرده و در تماس با راحیل شریف، از او خواهش می کند که لطفاً دیگر این کار را نکنند! آن وقت، چیزی که در این میان باقی می ماند، یک وضعیت فاجعه بار بی زمان است و یک کشور قربانی بی زبان، پاداش این واکنش خنثا و وضعیت بی زمانی و بی زبانی اما، تضمین موفقیت مرگ آفرینانی است که با تغییر زمان و قدرت زبان ستیز آشتی ناپذیری دارند و به خود و دیگران اجازه نمی دهند دنیا را جز از زاویه ی دید دین و قبیله ببینند.

سوم سنبله؛ استعاره یی برای حذف زمان و زبان

■ عمران راتب



عالم واقع و خارج از ذهن انسان از جریان بازمانده و اگر هنوز در میان مردم سخنی از آن به میان می آید، صرفاً به این دلیل است که به لحاظ ارزشی، روح مردم را لحظه ی اتفاق افتادن آن خاطره در خود به گروگان گرفته است. شاید هم بیشترین کنش کلامی انسانها وقتی به امری اختصاص داده می شود، از آن رو است که آن امر یک خاطره است. این سخن نباید نگران مان کند. ما بیشتر از چیزی سخن می گویم که بیشتر آن را از دست داده باشیم. کلام مال خاطره است. امر زنده و جاری، زمانی که انسان در برابر آن حیثیت یک ایزه ی منفعل را دارد، نیازی به کنش کلامی ندارد. زیرا از آن جا که امری در حال جریان باشد، فقط می توان آن را تجربه کرد. پای کلام آن گاه به زندگی انسان باز می شود که همه چیز منتع است، جز کلام. کلامی که در آن حالت، کارکردی جز افزایش رنج و دردی ناشی از واقعه یی از دست رفته ندارد. کلام صرفاً آتشی را پکه می زند که خاکستر زمان بر آن نشسته باشد. از این رو، در کلام نباید آفتدرها به دنبال شادی و رستگاری بود.

این نکته از آن رو آورده شد تا راه برای مطرح ساختن دو نکته ی دیگری باز شود که نیت این نوشته را تشکیل می دهند. یک: جریان بلا انقطاع فاجعه یا خاطره ی جاری که من از آن به نابودی زمان در لحظه ی وقوع فاجعه تعبیر کرده ام؛ و دو: نارسایی و ناراستی کلام در مواجهه با این خاطره ی جاری و در نتیجه، نابودی زبان. نکته ی نخست را می توان بدون مقدمه مطرح کرد: چهارشنبه خونین. حالا این عبارت اندکی دوپهلوی می نماید: کدام چهارشنبه خونین؟ این جاست که نمی توان روزی را به تنهایی به مثابه مصداق این عبارت، نشانه گذاری کرد. یک مسأله این است که مشابهت ها و وجوه مشترک در اتفاقات، دست کم در این دو چهارشنبه یی که مورد نظر ماست، آنقدر زیاد است که کار تفکیک میان آن دو را مشکل می سازد. اما بعد که می بینیم با روایت کوتاهی از این دو چهارشنبه خونین، زمان و مکان وقوع و مدلولات عینی آن دو، می توان

طالب، داعش، شبکه ی حقانی یا انواع طالب فکری دیگر که هسته ی عقیدتی آن واجد ویران گری است، اما همه ی اینها را در درون دایره ی ضیق بنیادگرایی و آیین پرستی باید نگریم؛ آیین قبیله یا هر متغیر تباهی آور دیگر. فقط با قبول این مسأله است که می توان به سراغ واقعیت ها رفت. عصر روز چهارشنبه موتری بمب گذاری شده جلو در ساختمان دانشگاه امریکایی افغانستان منفجر می شود و به تعقیب آن درگیری یی آغاز می گردد که پس از ده ساعت، هنگامی که ترس همه را فرا گرفته، درگیری پایان می یابد؛ با سیزده کشته و بیش از سی و پنج تن زخمی. این رخداد خاطره یی را به یاد کالیپان آورد که نزدیک به نه ما قبل در فاصله ی نه چندان دور از این دانشگاه، رخ داده بود و با کشته شدن هفت کارمند یک شبکه ی تلویزیونی، به آن نام «چهارشنبه خونین» و «چهارشنبه سیاه» را دادند. البته اگر در استفاده از کلمات اندکی احتیاط به خرج بدهیم و دلواپس مصداق آنها باشیم، شکی نیست که نمی توانیم در این جا از «خاطره» سخن بگوییم. خاطره رد پای واقعی است در روان انسان که وقوع آن برمی گردد به یک زمان از دست رفته. منظور این است که خاطره چیزی بیش از یادواری محض یک واقعیت نیست و این هنگامی در قلمرو روان انسان جا باز می کند که از عالم واقعیت رخت بر بسته باشد. بیان ساده ی این امر، چنین است: در یک زمانی، چیزی اتفاق می افتد و سپس با سرعت از بین می رود. اما از آن حیث که ارزش یا تأثیر آن برای انسان بیش از اتفاقات عادی است، انسانی که این اتفاق بر او تحمیل شده، به لحاظ روانی نمی تواند از لحظه ی وقوع و دامنه ی تأثیر آن خود را آزاد سازد، هر چند که در عرصه ی واقع، یعنی در خارج از قلمرو روانی انسان، دیگر از آن اتفاق چیزی باقی نمانده. بدین سان است که آن اتفاق تبدیل به یک خاطره می شود و به تعبیر بهتر، در روان خود آگاه و ناخود آگاه انسان جا و منزلتی به آن اختصاص داده می شود. با این حساب، خاطره بر آن امری اطلاق می شود که در





حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان؛ قربانیان و واکنش‌ها

الیا س نواندیش

خانواده‌ی فقیر در کابل به دنیا آمده بود، یکی از دلربانوانانی بود که در دانشگاه امریکایی افغانستان اقتصاد می‌خواند. او پس از پنج روز تحصیل در این دانشگاه کشته شد. این هنرمند جوان چندین جایزه از انستیتوت ملی موسیقی افغانستان دریافت کرده بود.

۷- مسعود حسینی، عکاس معروف و برنده‌ی جایزه‌ی عکاسی پولیتزر است که برای آژانس خبری آسوشیتدپرس کار می‌کند. او در این حمله زخمی شده و یکی از کسانی بود که پس از حمله به این دانشگاه گزارش داد. او در تویترش نوشته بود زخمی شده و درخواست کمک کرده بود. مسعود حسینی در دانشگاه امریکایی افغانستان دانشجوی رشته‌ی علوم سیاسی است.

مسعود حسینی در مصاحبه‌ی گفته پس از انفجار به هم‌صنفی‌هایش دلداری می‌داده است: «وقتی صدای اولین انفجار را شنیدم، حدس زدم که این انفجار در قسمت جنوبی دانشگاه رخ داده است. به طرف صنفی رفتم و از آن‌جا بیرون را نگاه کردم. دیدم که یک مرد مسلح از میان دود و آتش به طرف ساختمان می‌آید. وقتی متوجه شد که من در آن‌جا هستم، شلیک کرد؛ من خود را به عقب انداختم، مرمی شیشه را شکستاده و به سقف اصابت کرد.»

به گفته‌ی او: «فرد تروریست با پرتاب دو نارنجک به داخل صنف، می‌خواست ما را از بین ببرد، ولی ما به طرف کلکین فرار کرده و خودمان را از کلکین پایین انداختیم. من خودم را در پایین کلکین روی دستگاه تهویه هوا انداختم. این‌گونه، توانستم راه خروجی اضطراری را پیدا کنم و به آن‌طرف بدویم.»

۸- فرزانه بختیاری، دانشجوی ۲۱ ساله است. او نیز پس از آن‌که در این حمله زخمی شد، در مصاحبه‌ی گفته است مهاجمان درحالی که تیراندازی می‌کردند، وارد ساختمان اصلی دانشگاه شده و یکی از آنان خود را به منزل سوم رساند: «بالای دروازه‌ی صنف ما فیر می‌کرد، دروازه را شکستند، وقتی داخل آمد، صنف تاریک بود. در همان لحظه برایش زنگ آمد و از صنف بیرون شد.»

فرزانه که شاهد حادثه‌ی عصر چهارشنبه است، می‌گوید مهاجمان در گفت‌وگوهای تلفونی ابراز خوشحالی می‌کردند: «تلفونش را جواب داد. بسیار خوش بود. به پشتی می‌گفت که افغان‌ها و خارجی‌های زیادی را کشته‌ایم. به همدیگر تبریک می‌گفتند.»

از دیگر قربانیان این رویداد تاکنون اطلاعی در دست نیست. این حمله درحالی بر دانشگاه امریکایی افغانستان صورت می‌گیرد که چندی پیش دو تن از استادان این دانشگاه نیز از سوی افراد مسلح ربوده شدند و تاکنون از سرنوشت آنان اطلاعی در دست نیست.

دانشگاه امریکایی افغانستان در سال ۲۰۰۶ میلادی تأسیس شد تا علوم مقدماتی را مطابق به سیستم مروج در ایالات متحده‌ی امریکا تدریس کند. این دانشگاه حدود ۱۰۰۰ نفر دانشجو دارد.

تلفون را در اختیار مقامات پاکستانی قرار داده و به اضافه‌ی شماره‌های تلفون اسناد دیگری نیز در دست دارد که نشان می‌دهد از خاک پاکستان برای طراحی حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان استفاده شده است، اما در اعلامیه‌ی ارتش پاکستان آمده است که «هر سه شماره‌ی تلفون مربوط به شبکه‌های تلفونی افغانستان است که در آن‌طرف مرز نیز می‌توانند فعالیت کنند.»

علاوه بر این، دواخان مینه‌پال، معاون سخن‌گویی رییس‌جمهور به رسانه‌ها گفته است که دلایل ارایه شده در این اعلامیه نمی‌تواند به پاکستان برآید. او گفته است: «همه‌ی اسناد و شواهد نشان می‌دهد که این حمله در آن‌طرف مرز طرح‌ریزی شده است. پاکستان باید در برابر گروه‌های تروریستی که از خاک این کشور در برابر افغانستان و منطقه دست به فعالیت‌های تروریستی می‌زنند اقدام نماید. این دلایلی که آن‌ها ارائه می‌کنند برای‌شان برآنت نمی‌دهد.»

چه کسانی کشته و زخمی شدند؟

در میان ده‌ها کشته و زخمی چندین نام برجسته‌اند و توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی را نیز به خود جلب کرده‌اند. بی‌بی‌سی فارسی گزارشی در مورد پنج تن از کشته‌شدگان حمله بر دانشگاه امریکایی افغانستان تهیه کرده است.

۱- نقیب احمد اخپلواک، در دانشگاه امریکایی افغانستان استاد حقوق بود و دارای مدرک ماستری از دانشگاه استانفورد. او قصد داشت در مقطع دکتری تحصیل کند اما حمله‌ی مهاجمان مسلح شام چهارشنبه این فرصت را برای همیشه از او گرفت.

۲- محمد اکبر اندرابی، فرماند پولیس ویژه هنگام درگیری با مهاجمان در دانشگاه کشته شد. او از ولسوالی اندراب ولایت بغلان و ۳۳ ساله بود. در سال ۱۳۸۷ از اکادمی ملی پولیس کابل فارغ شد و کارش را به‌عنوان افسر نیروهای ویژه‌ی کابل آغاز کرد. در زندگی‌نامه‌ی او آمده است که در دفع بیش از ۳۰ حمله‌ی عمده‌ی مهاجمان در کابل و شماری از یورش‌های شبانه در ولایت‌های مختلف کشور مشارک داشته است.

۳- جمشید ظفر دانشجوی ۲۶ ساله در رشته‌ی اقتصاد در دانشگاه امریکایی افغانستان بود. او وبسایت هم طراحی می‌کرد و در تلویزیون خصوصی هفت هم کار کرده بود. او خواهرزاده باری سلام، صاحب امتیاز تلویزیون هفت، بود.

۴- زبیر، یکی دیگر از قربانیان این حمله بود که در مقطع ماستری درس می‌خواند. اطلاعات چندانی درباره‌ی زبیر در دست نیست اما گفته شده که او هنگام نماز جماعت دانشجویان امامت می‌کرد.

۵- مجتبی اکسیر، فرزند نادر احمد اکسیر از داکتران شناخته شده و استاد دانشگاه کابل است.

۶- سمیع‌الله سروری. او از انستیتوت ملی موسیقی افغانستان فارغ شده و سپس با در نظرداشت لیاقت خود از دانشگاه امریکایی افغانستان بورس گرفته بود. او که در یک

و بر تمام چالش‌ها فایز خواهند آمد و حمله به تاسیسات آموزشی و اماکن عامه و هدف قرار دادن غیرنظامیان نه‌تنها عزم ما را متزلزل نمی‌سازد، بلکه آن را در مبارزه و نابودی ریشه‌های ترور و دهشت راسخ‌تر می‌کند.»

ریاست اجرایی‌هی حکومت وحدت ملی نیز با نشر اعلامیه‌یی گفت حمله بر نهادهای علمی و دانشگاهی بیانگر ماهیت جاهلانه‌ی طالبان و تروریست‌هاست. در این اعلامیه آمده است: «حکومت و مردم افغانستان با سعی و تلاش فراوان و به همکاری دوستان بین‌المللی مکتب، مدرسه، دانشگاه و نهاد علمی می‌سازند، ولی طالبان و تروریست‌ها برای نشر و پخش تاریکی و افکار ضدانسانی و اسلامی خود دست به تخریب مساجد، مکاتب و نهادهای علمی و دانشگاهی می‌زنند.»

جان کری، وزیر خارجه‌ی امریکا نیز در این باره گفته است: «این یک حمله‌ی ناجوان‌مردانه بر نخبگان فعال و مستعد انجام شده است. این جوانان به آینده‌ی بهتر و روشن‌تر افغانستان باور داشتند. این رویداد جان بی‌گناهان را گرفت و بدون شک این حمله نمی‌تواند راهی را که برای صلح در این کشور به پیش گرفته شده است متوقف سازد.»

سفارت امریکا در کابل نیز با نشر پیامی این حمله‌ی فجیع را تقییح نموده و گفته است که هدف قرار دادن دانشجویان افغان و کارمندان دانشگاه که برای بهبود آینده‌ی افغانستان کار می‌کنند، یک عمل بی‌رحمانه و بزدلانه می‌باشد.

این سفارت در اعلامیه‌اش نوشته است که آماده است تا مقامات افغان درباره‌ی تحقیقات جاری در مورد این حادثه کمک نموده و عاملان آن را به عدالت بکشاند.

یوناما یا دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان نیز با نشر بیانیه‌یی گفته است: «هدف قرار دادن قصدی یک نهاد تعلیمی که مملو از محصلین بود، یک قساوت است و مرتکبین آن باید به محاکمه کشانیده شوند.» یوناما گفته است که جوانان کشور یک منبع افتخار و آرزوی واقعی یک آینده‌ی بهترند.

افزون بر این‌ها، شماری از دانشجویان و اعضای شورای ولایتی بلخ نیز در گردهمایی اعتراضی به روز جمعه حمله‌ی گروهی بر دانشگاه امریکایی افغانستان را نکوهش کرده و از حکومت خواستند تا سازمان‌دگان آن را شناسایی و مجازات کند.

راجل شریف: اجازه نمی‌دهیم حملات تروریستی در پاکستان سازماندهی شود

پس از رویداد خونین شام روز چهارشنبه، شورای امنیت ملی افغانستان گفت بررسی اسناد و یافته‌های موثق ریاست عمومی امنیت ملی نشان می‌دهد که حمله از آن طرف خط دیورند سازمان‌دهی و مدیریت گردیده است. در واکنش به این ادعا اما دفتر مطبوعاتی ارتش پاکستان به نقل از راجل شریف نوشته است: «پاکستان اجازه نمی‌دهد حملات تروریستی در خاک‌اش سازماندهی شود.»

حکومت افغانستان مدعی است که حداقل سه شماره‌ی

حوالی ساعت هفت شام روز چهارشنبه یک حمله‌ی انتحاری توسط موتر مملو از مواد منفجره دروازه‌ی ورودی دانشگاه امریکایی افغانستان در غرب کابل، سرک دارالامان، را شکستاند و زمینه‌ی ورود دو مهاجم مسلح با سلاح‌های خودکار و بمب‌دستی را به داخل دانشگاه فراهم کرد. مهاجمان مسلح تا منزل سوم این دانشگاه خود را رسانده، استادان، دانشجویان و کارمندان این دانشگاه را با گلوله و بمب‌دستی هدف قرار دادند. نه ساعت زمان بُرد تا نیروهای ویژه‌ی امنیتی افغان این دو تروریست را از پا درآورده و به محاصره‌ی دانشگاه پایان ببخشند.

براساس آمارهای رسمی، در این حمله یک استاد، هفت دانشجو (دو دختر و پنج پسر)، دو محافظ امنیتی دانشگاه امریکایی افغانستان و سه سرباز امنیتی افغان شهید و نه پولیس و سی‌وشش دانشجو و کارمند این دانشگاه زخمی شدند. براساس اعلامیه‌ی یکی از شفاخانه‌ها، یکی از این زخمیان یک استاد خارجی، شهروند اوگاندا، است.

صدیق صدیقی، سخن‌گویی وزارت داخله در پیوند به این رویداد گفته است که بیشتر کشته‌شدگان توسط شلیک تفنگ نزدیک به ارس‌های صنف‌های‌شان جان باخته‌اند.

تاکنون مسئولیت این حمله را فرد یا گروهی به عهده نگرفته است اما ارگ ریاست‌جمهوری به روز پنج‌شنبه با نشر اعلامیه‌یی نوشت که جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی شورای امنیت ملی جزئیات این حمله‌ی تروریستی را بررسی کرده است. در این اعلامیه آمده است: «بررسی اسناد و یافته‌های موثق ریاست عمومی امنیت ملی نشان می‌دهد که حمله از آن طرف خط دیورند سازمان‌دهی و مدیریت می‌گردید. بررسی بیشتر رویداد و شواهد به‌دست آمده هنوز هم جریان دارد.»

در این اعلامیه همچنان آمده است که رییس‌جمهور غنی در جلسه‌ی شورای امنیت با جنرال راجل شریف، رییس ستاد ارتش پاکستان تلفونی صحبت کرده و خواهان اقدامات جدی و عملی علیه تروریستانی شده که این حمله را سازماندهی می‌کردند.

در جریان درگیری نیروهای امنیتی افغانستان و تروریستان، ۱۵۰ دانشجو که در داخل ساختمان دانشگاه گیر افتاده بودند، توسط نیروهای ویژه پولیس نجات داده شدند.

واکنش‌ها

این رویداد بی‌پیشینه‌ترین حمله بر نهادهای تحصیلی در کشور است که با واکنش‌های بسیاری مواجه شده است. واکنش اکثریت کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز این بود که مهاجمان مسلح و تروریستان نشان دادند که دشمن علم و پیشرفت هستند.

در پی وقوع این رویداد، رییس‌جمهور اشرف غنی این حمله‌ی تروریستی را دشمنی با پیشرفت و ترقی کشور خوانده و آن‌را محکوم کرد. ارگ ریاست‌جمهوری در بیانیه‌اش نوشته است که «تروریستان باید بدانند که مردم و حکومت افغانستان راهی را که انتخاب کرده‌اند، به‌رغم دشواری‌ها و سختی‌ها ادامه داده

چهلک

سخن‌سازان

این‌اش را ما هم م‌دانستیم

دولت افغانستان باز همان سخنی را گفت که تا حالا هزار بار گفته است. گفت اسناد نشان می‌دهند که حمله بر دانشگاه امریکایی در پاکستان طراحی شده. خوب، این را می‌دانیم و دانستن‌اش هیچ کمکی به ما نمی‌کند. آنچه مهم است این است که پاکستان در میان پشتون‌های افغانستان گروه تروریستی سرسختی ساخته به نام طالبان. حمله‌های مورد نظر پاکستان را همین طالبان پشتون انجام می‌دهند. همین طالبان صد رقم جنایت دیگر را هم مرتکب می‌شوند که طرح‌شان در پاکستان ریخته نشده.

حال، دولت افغانستان حاضر نیست با گروه طالبان مقابله کند (صرفاً به این دلیل که آن‌ها پشتون‌اند). اشرف غنی از پاکستان گله دارد که چرا از حمله و خراب‌کاری در افغانستان دست بر نمی‌دارد. در عین حال حاضر نیست همان گروهی را که این حمله‌ها را برای پاکستان انجام می‌دهد، سرکوب کند. اگر دولت افغانستان طالبان را سرکوب کند، پاکستان نیز دیگر نخواهد توانست در افغانستان عملیات کند. اما می‌دانیم، همه می‌دانند، که اشرف غنی و همراهان او هرگز به سرکوب شدن کامل طالبان راضی نیستند. در نظر اشرف غنی و حنیف اتمر گروه طالبان یک سرمایه است که باید حفظ شود. هر کس که این را نداند در حقیقت در باره‌ی این دولت هیچ چیز قابل اعتنایی نمی‌داند.

چرا طالبان نمی‌توانند در مزار شریف، پایگاه عظامحمد نور، عملیات نظامی بکنند؟ آیا طالبان به دوست ندارد مزار شریف نامن شود؟ آیا طالبان به ویران کردن آن شهر علاقه‌ی ندارند؟ نه، این که مزار شریف آرام است به این خاطر است که در آنجا عزم مقابله با طالبان هست. عطا محمد نور نمی‌گوید که بگذارید طالبان مسلح در شهر باشند. نمی‌گوید که اگر دیدید مهمات جنگی وارد شهر می‌شوند و به دست طالبان می‌رسند، روی تان را بگردانید و چیزی نگویید.

چرا طالبان در قندهار توفیق چندانی برای خراب‌کاری و امنیت‌ستانی ندارند؟ برای این که در قندهار عبدالرازق اچکزئی دشمن سرسخت طالبان است و عزمی راستین برای سرکوب‌شان دارد. دولت به جای تکرار کلیشه‌ی پوچ و بی‌معنای «پاکستان طراح حمله‌هاست» باید به مردم افغانستان نشان بدهد که در سرکوب کردن لشکر عملیاتی پاکستان، یعنی طالبان، صداقت دارد.

کماندوهای افغان:

اولین، آخرین و بهترین خط دفاع از افغانستان

دپلمات/شاوون سنو | ترجمه: حمید مهدوی



وابستگی شدید به واحدهای کماندوهای افغانستان بحث برانگیز است. در حالی که صرفاً ۹۸۰۰ مشاور امریکایی و ناتو در این کشور حضور دارند، توجه به نیروهای افغانستان و نظارت از آن‌ها بیشتر به کماندوها معطوف شده است. با وجودی که میزان تلفات در مقایسه با سال ۲۰۱۴ دو برابر شده است، کماندوی افغانستان اما ۹۰ درصد نیروهایش را حفظ کرده است، چیزی که قابلیت اطمینان بودن و انگیزه‌ی آن‌ها برای مقابله با وحشی‌ترین جنگ‌های این کشور را برجسته می‌سازد.

قرار داده و خسته ساخت، تسهیلات کماندوها در فصل جنگی جاری محدود شده است، هرچند این واحد در بازپس‌گیری مناطق استراتژیک و انجام عملیات‌های تهاجمی مختل‌کننده علیه نیروهای طالبان (از قبیل حملات شبانه‌ی اخیر در بغلان) نقش حیاتی بازی می‌کند. به دلیل نرخ بلند فرار در واحدهای پولیس و ارتش سنتی، کماندوهای افغان مجبور شده‌اند تا فشار بخش بزرگی از جنگ را تحمل کنند. جو دانکن، فرمانده گروه مشورتی عملیات ویژه که فرماندهی عملیات ویژه ارتش افغانستان را حمایت می‌کند گفت: «همه‌ی چیزهایی را که شما در اخبار در مورد آن می‌خوانید - واحدهایی که نمی‌گذارند اوضاع خیلی بد شود» - کماندوها و نیروهای ویژه هستند. «کماندویی را نمی‌باید که سلاح‌شان بگذارند و از جنگ امتناع بورزند». عبدالقهار آرمان، سخنگوی قول اردوی ۲۰۹ ارتش افغانستان در شمال گفت: «ما بدون آن‌ها هیچ کاری انجام داده نمی‌توانیم». وابستگی شدید به واحدهای کماندوهای افغانستان بحث برانگیز است. در حالی که صرفاً ۹۸۰۰ مشاور امریکایی و ناتو در این کشور حضور دارند، توجه به نیروهای افغانستان و نظارت از آن‌ها بیشتر به کماندوها معطوف شده است. با وجودی که میزان تلفات در مقایسه با سال ۲۰۱۴ دو برابر شده است، کماندوی افغانستان اما ۹۰ درصد نیروهایش را حفظ کرده است، چیزی که قابلیت اطمینان بودن و انگیزه‌ی آن‌ها برای مقابله با وحشی‌ترین جنگ‌های این کشور را برجسته می‌سازد.

کماندوها در سال ۲۰۱۶ حیاتی بوده‌اند و با رهبری عملیات‌ها در در ننگرهار، قندوز و هلمند و انجام عملیات سریع خردکننده که به نیروهای عادی اجازه می‌دهد تا در میدان نبرد سیل جاری کنند و میدان را از وجود دشمن پاک سازند، همچنان واحد با ارزشی در افغانستان خواهند بود. آینده‌ی کابل تا حدود زیادی به این وابستگی دارد که چگونه این نیروی حیاتی را مدیریت می‌کند، آموزش می‌دهد، مجهز می‌سازد و به آن‌ها استراحت می‌دهد. این نیروها با سرعت فعلی عملیات خود را خسته خواهد ساخت، اما با صرف ۱۱۵۰۰ سرباز آن‌ها بهترین خط دفاع علیه تقریباً ۳۵۰۰۰ جنگجوی طالب و چندین هزار جنگجوی داعش هستند.

فصل جنگی ۲۰۱۶ با افزایش ناامنی در افغانستان هنوز با حرارت جنگ گرم‌تر می‌شود. مراکز جمعیتی کلان از قبیل لشکرگاه و قندوز در محاصره‌ی نیروهای طالبان هستند در حالی که دولت اسلامی (داعش) به سختی تلاش می‌کند در لایت ننگرهار برای پای بسازد و آن را حفظ کند. اخباری که روزانه در افغانستان در گردش است به‌ندرت خبرهای خوب است. اما این همه داستان نیست، مانند هر فصل جنگی دیگر، بعضاً از خطر و هرج‌ومرج خبرهای خوشی پدید می‌آیند. در مورد فصل جنگی ۲۰۱۶ این داستان، داستان کماندوهای افغانستان است: اولین، آخرین و بهترین خط دفاع.

افغانستان دچار فصل جنگی تلخ و خونینی شده است و تلفات ملکی در حال افزایش است، در حالی که هر دو طرف جنگ تلاش می‌کنند برای هرگونه مذاکرات بالقوه در آینده خود را در موقعیت مساعدی قرار بدهند. هدف و وسیله‌ی چانه‌زنی اصلی دره‌ی هلمند است، جایی که محل تولد طالبان و ملا عمر، رهبر خلوته‌نشین پیشین آن‌ها، حکایت شده است. هلمند میزان فعالیت‌های مالی گسترده‌ی طالبان از طریق توزیع و قاچاق تریاک است و قبلاً شاهد خونین‌ترین و بی‌رحم‌ترین صحنه‌های جنگ افغانستان بوده است. در اخبار روزانه همچنان سقوط قریب‌الوقوع این ولایت پیش‌بینی می‌شود، اما این ولایت همچنان تحت کنترل کابل است و عمدتاً در نتیجه‌ی (حضور) کماندوهای افغانستان دوام می‌آورد.

کماندوهای افغانستان که در قندهار، هلمند و کابل به خارج از پایگاه‌ها اعزام می‌شوند انعطاف‌پذیر و سبک‌اند و قابلیت انجام حملات شبانه و اعزام شدن سریع به مناطق تحت تهدید را دارند. واکنش سریع و انعطاف‌پذیر این واحد به ارتش افغانستان اجازه داده است تا در حالت تهاجمی بماند، عملیات طالبان را مختل کند و برای مناطق تحت تهدید نیروهای کمکی سریع فراهم کند. کماندوهای افغانستان در حفظ مراکز ولایت‌های کلان از قبیل قندوز و لشکرگاه حیاتی بوده‌اند، جایی که این نیروهای به‌شدت آموزش دیده و با انگیزه توانسته‌اند در ولسوالی ناوه و قندوز محاصره‌ی طالبان را عقب بزنند. در ماه جولای، در واکنش به حمله‌ی داعش در کابل [بیشتر از] ۸۰ تن را کشت و [بیشتر از] ۲۰۰ تن دیگر را زخمی ساخت، کماندوهای افغانستان به کمک حمایت هوایی نیروهای امریکایی و افغان عملیاتی را در ولایت ننگرهار رهبری کردند و این کماندوها پیش از ۱۰۰ سینه‌جو را کشتند و یک مرکز اصلی عملیات‌های داش در ولسوالی کوت را تصرف کردند.

در افغانستان، پیش از هر نیروی دیگری، به واحد کماندوهای این کشور تکیه و اعتماد می‌شود. این واحد که در کمپ مورهد (Camp Morehead) در کابل آموزش دیده‌اند، متشکل از تقریباً ۱۱۵۰۰ سرباز است در حالی که تعداد نیروهای عادی ارتش و پولیس این کشور به تقریباً ۳۲۰۰۰ تن می‌رسد. مکتب اکسلنس (The School of Excellence) به جنگجویان ویژه‌ی آن انجام حملات تهاجمی، حملات هوایی و عملیات‌های هدفمند را آموزش می‌دهد. به‌طور سنتی کماندوهای افغان آموزش می‌بینند تا عملیات‌های ۷۲ ساعته انجام بدهند، اما در این اواخر عملیات‌ها تا ۲۰ روز دوام کرد و این واحد به‌شدت با ارزش را تحت فشار

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz
6 Months 120\$ USD
Annual 200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها
شش ماهه ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله ۵۰۰۰ افغانی

برای متعلمین و محصلین
شش ماهه ۲۰۰۰ افغانی
یک ساله ۴۰۰۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.

zaki.daryabi2@gmail.com

jawad.najee@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی
معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا
سرمدبیر: جواد ناجی
دبیر خبر: عصمت الله سروش
گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش
ویراستار: عمران راتب
صفحه آرا: هادی دریابی
بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
dailyetilaatroz@gmail.com
ایمیل:
آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا
شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰
مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲
چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

ماروتا: چانس جذب خامس تقریباً صفر است

جوزیه ماروتا، مدیر اجرایی باشگاه یوونتوس مدعی شد که چانس به خدمت گرفتن خامس رودریگز توسط یووه تقریباً صفر است.

پنج‌شنبه گذشته شایعه جذب خامس در تمامی رسانه‌ها منتشر شد و به نظر می‌رسد که یووه اقداماتی برای به خدمت گرفتن ستاره کلمبیایی رئال انجام داده است. با این حال ماروتا اعلام کرد که چانس آن‌ها برای جذب خامس تقریباً صفر است.

او گفت: تقریباً صفر درصد برای جذب خامس چانس داریم. در هر صورت رئال و یوونتوس روابط خیلی خوبی باهم دارند. پرز قبلاً با شوخی نامی از چند بازیکن برده بود ولی امروز ما راجع به بازیکنانمان صحبت نکردیم زیرا رئال می‌خواهد آن‌ها را حفظ کند.

رونالدو: جواب پیکه را نمی‌دهم

کریستیانو رونالدو، ستاره رئال مادرید پنج‌شنبه شب تأکید کرد که قصد ندارد پاسخ پیکه را بدهد ولی به مدافع بارسا توصیه کرد نگاهی به توئیترش بیندازد.

پیکه در صحبت‌های اخیرش مدعی شده بود که رئال مادرید با قرار گرفتن در گروهی آسان و قرعه‌های راحت موفق شد فصل گذشته قهرمان چمپیونزلیگ شود. رونالدو پس از قرعه‌کشی فصل جدید چمپیونزلیگ و دریافت عنوان بهترین بازیکن اروپا پاسخ پیکه را داد.

او گفت: من قصد جواب دادن به صحبت‌های او را ندارم. چیزی که می‌توانم به پیکه بگویم این است که توئیتم من را با عکس زیبایش نگاه کند.

رونالدو در توضیح این عکس نوشت: خیلی خوشحالم و افتخار می‌کنم که چنین عنوانی را کسب کردم. از هم‌تیمی‌هایم در رئال مادرید و تیم ملی پرتغال ممنونم.

تیری هانری کمک مربی بلژیک شد

فدراسیون فوتبال بلژیک تأیید کرد که تیری هانری، مهاجم سابق آرسنال و تیم ملی بلژیک، به عنوان کمک دوم روبرتو مارتینز در تیم ملی این کشور انتخاب شد.

هانری تا ماه گذشته در تیم زیر ۱۸ ساله‌های آرسنال کار می‌کرد اما به دلیل مخالفت آرسن ونگر با فعالیت همزمان او به عنوان کارشناس تلویزیون، از این باشگاه جدا شده بود. این اتفاق فرصتی فراهم کرد تا او بتواند به عنوان دستیار روبرتو مارتینز که به تازگی جانشین مارک ویلموتس روی نیمکت بلژیک شد، فعالیت کند.

کریس فن پوپوله، مدیر اجرایی فدراسیون فوتبال بلژیک، به خبرنگاران گفت: دستیار اول روبرتو مارتینز، گرام جونز خواهد بود. تیری هانری هم دستیار دوم است.

مارتینز هم در مورد این انتخاب گفت: ما این‌جا هستیم تا با کیفیت‌مان به تیم کمک کنیم. ما باید از بازیکنان حمایت کنیم. تیری هانری می‌تواند روحیه پیروزی‌خواهی در تیم به وجود بیاورد. من خیلی خوشحالم که فدراسیون فوتبال بلژیک توانست چنین کادر فنی‌ای جمع کند.

زیدان: مشکلی با صحبت‌های پیکه ندارم

زیدان الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید، اعلام کرد که قصد ندارد با جرارد پیکه، مدافع بارسلونا، وارد درگیری لفظی شود.

رنالی‌ها فصل گذشته توانستند برای یازدهمین بار قهرمان اروپا شوند اما پیکه در پاسخ به یک سوال توئیتری، مسیری که تیم زیدان برای قهرمانی طی را زیر سوال برد و آن را به سخره گرفت. اما زیدان تأکید کرد که تیمش مسیر دشواری را برای قهرمانی طی کرد؛ هرچند مشکلی با اظهارنظر پیکه ندارد.

او به خبرنگاران گفت: او نظرش را بیان کرد. ما قهرمان چمپیونزلیگ شدیم؛ ما سخت مبارزه کردیم. کار دشواری بود.

در طول رقابت‌های چمپیونزلیگ، ما سختی زیادی کشیدیم. او گفت که قهرمان لیگ شده‌اند و بهترین تیم اسپانیا هستند. وقتی قهرمان لیگ شده‌اید، می‌توانید چنین ادعایی بکنید.

اکنون در فصل جدید هستیم. رقابت به رئال و بارسا منتهی نمی‌شود. تیم‌های زیادی به دنبال قهرمانی هستند. ما آماده خواهیم شد و امیدوارم این بار شرایط دیگری رقم بخورد.

زیدان همچنین تأیید کرد که ایسکو، هافبک تیمش، به دلیل مصدومیت از ناحیه قوزک پا، دیدار مقابل سلتاویگو را از دست خواهد داد.

بله، مشکل او از ناحیه قوزک پاست. پای او دچار پیش خوردگی شد و آماده نیست که در فهرست تیم جای داشته باشد. قوزک پای او برایش مشکل‌ساز شد.



کریس رونالدو بهترین بازیکن اروپا شد

کریس رونالدو، ستاره رئال و تیم ملی پرتغال، به عنوان بهترین بازیکن فصل ۱۶-۲۰۱۵ انتخاب شد.

رونالدو که علاوه بر قهرمانی در چمپیونزلیگ با رئال، با پرتغال قهرمانی در یورو ۲۰۱۶ را جشن گرفت، بالاتر از گرت بیل و آنتوان گریژمان، توانست برای دومین بار جایزه بازیکن فصل اروپا را از آن خود کند. او پیش از این در سال ۲۰۱۴ این عنوان را از آن خود کرده بود.

رونالدو در فینال چمپیونزلیگ، پنالتی آخر رئال را که منجر به قهرمانی این تیم شد را به ثمر رساند و در یورو هم با به ثمر رساندن، سه گول، کمک کرد تا پرتغال برای اولین بار قهرمانی در این رقابت‌ها را جشن بگیرد.



براورفت، سیله‌سن خواهد آمد

سرانجام کلودیو براوو پس از یک هفته گمانه‌زنی از بارسلونا جدا و رسماً به منچستر سیتی پیوست.

براوو سال ۲۰۱۴ با رقم ۱۲ میلیون یورو از سوسیداد به بارسلونا پیوست و تبدیل به دروازه‌بان اول این تیم شد. او کمک کرد بارسلونا فاتح ۸ جام ارزشمند شده و فصل ۲۰۱۴-۲۰۱۵ نیز بهترین دروازه‌بان لالیگا انتخاب شد. براوو در لالیگا و تراشتگن در لیگ قهرمانان و کوپا دل ری دروازه‌بان ثابت بارسلونا بودند که این قضیه باب میل هیچ‌کدام نبود.

براوو پنج‌شنبه شب وارد شهر منچستر شد و پس از پشت سر گذاشتن تست‌های پزشکی سیتی، دیروز رسماً قراردادی ۴ ساله به ارزش ۲۰۱۸ میلیون یورو با این تیم منعقد کرد. براوو جانشین جو هارت خواهد شد که باید به دنبال تیمی جدید برای خود باشد.



رانیری: لستر در گروهش مدعی اصلی نیست

کلودیو رانیری، سرمربی لستر سیتی، معتقد است علی‌رغم قرعه نه چندان دشواری که در لیگ قهرمانان با آن مواجه شده‌اند، تیم‌های حریف از چانس بیشتری برای صعود برخوردارند.

لستر سیتی که به عنوان قهرمان لیگ برتر در گروه یک جای داشت، با تیم‌های پورتو، بروژ و کپنهاگن هم‌گروه شد. هرچند سایر تیم‌های گروه، برتری



کلوپ: امیدوارم هر فصل با لیورپول جام بگیرم

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول مدعی شد که تیمش به دنبال این است که هر سال حداقل یک جام به دست آورد.

کلوپ اخیراً قراردانش را تمدید کرده که او را تا سال ۲۰۲۲ یعنی ۶ سال دیگر در این تیم نگه خواهد داشت. او که فصل گذشته تا فینال جام اتحادیه و لیگ اروپا پیش رفت، موفق به کسب این دو جام نشد و حال مدعی شد که تلاشش بر این است که هر فصل حداقل یک جام کسب کند.

او گفت: دوست دارم در این ۶ سال، ۶ بار جشن بگیریم. فوق‌العاده خواهد بود. با یک اتوبوس بزرگ در شهر لیورپول چرخ بزنیم. ۷۰۰ هزار نفر دور ما باشند. دوست دارم این کار را انجام دهیم.

دعوت نشدن کاسیاس و فابریگاس به اردوی اسپانیا

خولن لویتگی، سرمربی جدید تیم ملی اسپانیا، در اولین فهرستش برای دو دیدار پیش روی لا روخا، ایگر کاسیاس و سسک فابریگاس را دعوت نکرد.

فابریگاس و کاسیاس برای دیدار دوستانه مقابل بلژیک و دیدار برابر لیختن اشتاین در مقدماتی جام جهانی دعوت نشدند. همین‌طور، هکتور بیرین و سانتی کازورلا، دو ستاره اسپانیایی آرسنال هم در این فهرست جایی ندارند.

در مقابل، خوان ماتا و دیگو کاستا، بازیکنان منچستر یونایتد و چلسی، که در فهرست ویسته دل بوسکه برای یورو ۲۰۱۶ جایی نداشتند، بار دیگر به اردوی اسپانیایی فراخوانده شده‌اند. خاوی مارتینز، مدافع-هافبک بایرن هم بعد از پشت سر گذاشتن مصدومیت، بار دیگر دعوت شده است. بعد از نتایج ناامید کننده اسپانیا در یورو ۲۰۱۶، ویسته دل بوسکه از هدایت این تیم کناره‌گیری کرد و لویتگی جای او را گرفت.



سیمئونه: گریزمان بهترین بود، نه رونالدو

دیگو سیمئونه، سرمربی ایتلیکو مادرید، معتقد است که بهترین بازیکن فصل قبل اروپا، آنتوان گریزمان بود، نه کریس رونالدو.

پنج‌شنبه‌شب هفته گذشته، جایزه بهترین بازیکن فصل ۱۶-۲۰۱۵ اروپا به کریس رونالدو داده شد اما سیمئونه معتقد است که اهدای این جایزه به ستاره پرتگالی، به دلیل قهرمانی‌های او با رئال و پرتغال بوده است. ولی این مربی آرژانتینی تردیدی ندارد که ستاره فرانسوی تیمش شایستگی بیشتری برای دریافت این جایزه داشت.

او به خبرنگاران گفت: او بازیکن سرنوشت‌ساز است؛ مطمئناً یکی از سه بازیکن برتر دنیا. ما همیشه امیدواریم که او در بهترین فرم خود باشد. ما تردیدی در نگرش او به بازی نداریم. ما امیدواریم که او همیشه به همین شکل ادامه بدهد. او بازیکنی است که گزینه متفاوتی در خط حمله در اختیار ما قرار می‌دهد.

هر کدام که برنده می‌شوند، شایستگی‌اش را داشتند. به رونالدو تبریک می‌گویم. بردن جام‌های تیمی، چانس بردن افتخارات فردی را افزایش می‌دهد. او قهرمان چمپیونزلیگ و یورو ۲۰۱۶ شد و این مسئله، او را در جایگاه برتری قرار داد. اما به نظر من، بی‌تردید گریزمان بهتر بود. متأسفانه او نتوانست قهرمان یورو و چمپیونزلیگ شود و رونالدو با شایستگی برنده این جایزه شد.



مولر: آنچلوتی به بازیکنان نزدیک است تا پپ

توماس مولر، مهاجم بایرن مونیخ، تأیید کرد که کارلو آنچلوتی رابطه گرم‌تری با بازیکنان بایرن نسبت به پپ گواردیولا دارد.

او به خبرنگاران گفت: آنچلوتی کمی به بازیکنان نزدیک‌تر است. پپ کمی در دنیای خودش بود زیرا در طول روز فکر می‌کرد که چه‌طور می‌تواند در هر بازی، بازیکنانش را یکی دو متر بیشتر جابجا کند تا یک شرایط بی‌نقص فراهم کند. او دیوانه بود؛ البته از جنبه مثبت!

مولر همچنین معتقد است که بایرن برتری ویژه‌ی نسبت به سایر مدعیان بوندس لیگا ندارد و از دورتموند به عنوان جدی‌ترین رقیب تیمش نام برد.

از نظر ما، فصل گذشته جذاب بود. ما دائماً دورتموند را پشت سرمان احساس می‌کردیم. آن‌ها بازیکنان جدید و با استعدادی دارند که به خوبی در تیم جا افتاده‌اند. آن‌ها در سوپرکاپ برای ما مشکل‌ساز شدند و نمی‌توان آن‌ها را از رقابت قهرمانی کنار گذاشت. آن‌ها همیشه برای ما در دلسر ساز شده‌اند اما به عنوان بازیکن بایرن مونیخ، من نباید تنش ایجاد کنم.



گواردیولا: سیتی خرید دیگری نخواهد داشت

براوو هفتمین خرید تابستانی منچستر سیتی بود که با انتقالی ۱۸ میلیون یورویی از بارسا به سیتی پیوست. این دروازه‌بان شیلیایی قرار است دروازه‌بان اول سیتی در فصل جدید باشد اما پپ تأیید کرد که او در دیدار مقابل وستهم بازی نخواهد کرد.

گواردیولا در گفتگو با خبرنگاران، در پاسخ به این سوال که چه‌قدر احتمال دارد بازیکن جدید به خدمت بگیرد، گفت: هیچ احتمالی وجود ندارد. دیگر کافی است. ما ۳۰ بازیکن داریم و این کافی است. من از بازیکنانی که در اختیار دارم، راضی هستم. من به آن‌ها اطمینان دارم.



شنبه ۶ سنبله، ۱۳۹۵ | سال پنجم | شماره ۱۱۳۵

Saturday | 27 August 2016 | Year 05 | Vol 1135



www.etilaatroz.com



www.facebook.com/dailyetilaatroz/



google.com/+DailyEtilaatRoz



twitter.com/dailyetilaatroz



telegram.me/etilaatroz

بسته های جدید اینترنت از ام تی ان



به بسته های جدید اینترنت خوش آمدید

حالا ام تی ان برای شما بسته های قابل نیازتان را پیشکش مینماید. شما میتوانید در یکی از ۳ بسته روزانه، ۳ بسته هفته وار، ۵ بسته ماهوار و ۲ بسته شبانه اینترنت اشتراک نموده و کرایه خویشتان را پس انداز نمایید. برای معلومات به جدول ذیل مراجعه نمایید.

نوع بسته	حجم	هزینه بسته	مدت اعتبار	طریقه فعال نمودن
روزانه	۲۰ ام بی	۱۵ افغانی	همان روز	۶۶ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۱۰۰ ام بی	۳۰ افغانی	همان روز	۱۲ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۲۰۰ ام بی	۵۰ افغانی	همان روز	۱۳ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
هفته وار	۲۵۰ ام بی	۷۵ افغانی	۷ روز	۲۱ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۵۰۰ ام بی	۱۵۰ افغانی	۷ روز	۲۲ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۱ جی بی	۲۵۰ افغانی	۷ روز	۲۳ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
ماهوار	۲٫۵ جی بی	۲۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۰ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۴ جی بی	۴۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۱ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۸ جی بی	۷۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۳ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
بسته های شبانه از ۱۱ شبانی ۷ صبح	۱۵ جی بی	۱۳۹۹ افغانی	۳۰ روز	۳۴ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۲۵۰ ام بی	۲۵۰ افغانی	۱ روز	۴۱ تا ۳۳۴ ارسال نمایید
	۳۵۰ جی بی	۱۷۵ افغانی	۳۰ روز	۴۲ تا ۳۳۴ ارسال نمایید



با شما در همه جا

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

آریانا با یک دنیا افتخار، صداقت و خدمت گذاری صمیمانه

همگام با شما در ثواب حج شریک خواهد بود.

ما میزبان صمیمی و دلسوز شما همچنان می باشیم

Facebook.com/flyariana
+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com



طی دو سال (۴۰۷) پروژه به مصرف (۱۰) میلیون و (۷۰۰) هزار دالر تطبیق گردیده و هم اکنون یک تعداد پروژه های دیگر نیز به هزینه بیش از (۸) میلیون دالر تحت کار است.

وزارت احیا و انکشاف دهات به منظور رعایت عدالت اجتماعی و انکشاف متوازن، مصمم است تا تطبیق برخی از پروژه های انکشافی را در ولایت های محروم و کمتر انکشاف یافته، مانند لوگر، غزنی، زابل، پکتیکا، دایکندی، فراه، نورستان، غور و میدان وردک، بیشتر سازد. زیرا بنا به گفته وزیر احیا و انکشاف دهات طی چند سال گذشته در ولایات نامبرده، پروژه های انکشافی نسبت به ولایت های دیگر کمتر تطبیق شده است.

انجنیر نصیر احمد درانی در یک گردهمایی وسیع مردم که با اشتراک والی لوگر، کارمندان ارشد ادارات دولتی آن ولایت، رییس واعضای شورای ولایتی و جمعی از متنفذین و باشندگان ولایت لوگر تدریفاً گفته بود، گفت: «به منظور تقویت اقتصاد زراعتی لوگر و وصل ساختن قریه ها و مزارع آن به مارکیت ها و مراکز ولسوالی ها در نظر داریم تا چند پروژه سرک سازی دیگر را نیز در آینده نزدیک در برخی از ولسوالی های ولایت لوگر عملی کنیم.»

وی افزود: «در حال حاضر کار بازسازی شانزده کانال آبیاری نیز در ولسوالی محمدآغه و پل علم لوگر ادامه دارد و تا ختم کار این کانال ها برای بیش از (۶۰) هزار تن زمینه کار موقت مساعد می شود. هم اکنون، کار بیش از (۳۰۰) پروژه به ارزش (۷،۸) میلیون دالر در بخش های گوناگون در مرکز و ولسوالی های ولایت لوگر ادامه دارد و اکثریت این پروژه ها تا آخر سال مالی جاری تکمیل می شود.»

درواقع تلاش وزارت احیا و انکشاف دهات از طریق برنامه های مختلف انکشافی آن، ایجاد زمینه های رفاه و آسایش برای روستاییان کشور بوده و در این راستا پیوسته کار صورت میگیرد تا پایایی و تداوم پروژه های انکشافی نیز تضمین گردد. البته برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات به خاطر تحقق بخشیدن به تداوم پروژه های انکشافی اكمال شده خویشت، همواره راهکارهایی را به کار بسته که تطبیق پروژه حفظ و مراقبت و کاربایی (MCG) نیز یکی از این تلاش ها است. به قول وزیر احیا و انکشاف دهات، «هم اکنون برنامه کاربایی این وزارت در پانزده ولایت جریان دارد و به زودی به منظور بازسازی و ایجاد زمینه های اشتغال در ولایت لوگر نیز آغاز می شود. خوشبختانه با شروع این برنامه در (۲۶۹) روستا برای (۲۴) هزار لوگری زمینه های کاربایی کوتاه مدت مساعد می شود و در عین حال ضمن ایجاد کار، صدها پروژه نیز به ارزش (۱۷۴) میلیون افغانی حفظ و مراقبت می شوند.»

پروژه انکشافی به بهره برداری، گشایش آغاز کار پروژه های انکشافی و تطبیق عملی پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی (که در زیر چتر «برنامه ملی ایجاد کار برای صلح» آغاز گردیده است)، وضعیت انکشافی روستاها را از نزدیک مشاهده نموده و دستاورد های برجسته و چشمگیری نیز در رابطه با تحقق آرمان رشد و آسایش درنده گی روستاییان، داشته است.

وزیر احیا و انکشاف دهات در پیوند به سفرهایش، در سفری که اخیراً به ولایت لوگر داشت، ساختمان تعمیر اداری برنامه همبستگی ملی ریاست احیا و انکشاف دهات و آغاز کار کانکریت ریزی یک سرک روستایی را در مربوطات این ولایت افتتاح نمود.

قابل یادآوریست که ساختمان تعمیر اداری برنامه همبستگی ملی به هزینه (۱۳) میلیون و (۶۷) هزار افغانی تکمیل شده و در سه طبقه، دارای (۱۵) اتاق اداری، (۴) باب تشناب و دو باب آشپزخانه به طور پخته و اساسی از بودجه بانک جهانی و برنامه همبستگی ملی اعمار گردیده است.

انجنیر نصیر احمد درانی وزیر احیا و انکشاف دهات، در رابطه گفت: «با اعمار این ساختمان، مشکل کمبود جای اداره مربوطه مرفوع شده و کارمندان آن امور اداری خود را به وجه احسن در آینده به پیش میبرند. زمینی که از طرف ریاست احیا و انکشاف دهات در مجتمع اداری ولایت لوگر برای این تعمیر در نظر گرفته شده است، مساحت آن (۴۰۰) متر مربع بوده و زیر بنای آن (۲۲۴،۵) متر مربع میباشد.»

علاوتاً کار کانکریت ریزی سرک خوشی در شهرک کوچیان پل علم نیز طی این سفر به وسیله وزیر احیا و انکشاف دهات افتتاح گردید و زمینه را برای تسهیل معضله ترانسپورتی مردم روستاهاییکه با این سرک باهم وصل میشوند، فراهم آورد. باید گفت که این جاده با (۳) کیلومتر طول و (۵) متر عرض در برگیرنده (۸) پلچک و ساختمان های آبرو، به هزینه (۲۸) میلیون و (۳۰۹) هزار افغانی از طریق وزارت احیا و انکشاف دهات تطبیق شده و از سرک عمومی ولسوالی خوشی الی شهرک مهاجرین و کوچیان پل علم مرکز ولایت لوگر امتداد داشته که در مدت (۱۷۰) روز آینده تکمیل می گردد.

وزیر احیا و انکشاف دهات، حین افتتاح کار این پروژه اظهار داشت: «این وزارت از سال (۱۳۸۱) تا ماه میزان سال (۱۳۹۳) در مجموع به تعداد (۱۳۸۱) پروژه توسعه یی را در سکوت های تهیه آب آشامیدنی، آبیاری، ترانسپورت، انکشاف محل، برق، صحت، تعلیم و تربیه و معیشت به ارزش مجموعی بیش از (۲۸) میلیون دالر تطبیق و تکمیل کرده است. اما زمانیکه مسؤلیت این وزارت به من سپرده شد؛

تلاش برای انکشاف



به تاسی از سیاست ملی و انکشافی دولت جمهوری اسلامی افغانستان برای تحقق انکشاف متوازن، رشد اقتصادی - اجتماعی و تأمین زمینه های کار و زندگی مرفه برای شهروندان سراسر افغانستان، رهبری وزارت احیا و انکشاف دهات، تلاش های گسترده بیشتری را در راستای تسریع انکشاف، ایجاد زمینه های رفاه و رفع مشکلات معیشتی روستاییان کشور آغاز نموده است.

انجنیر نصیر احمد درانی وزیر احیا و انکشاف دهات، از مدتی بدینسو یک سلسله سفرهای کاری به ولایات کشور انجام داده است. وی علاوه بر افتتاح، سپردن دهها